



Translate Luna

Clean Hell

Type Mat



[T.me/IriSekai](https://t.me/IriSekai)



[instagram.com/IrisSekai](https://www.instagram.com/IrisSekai)

... میتونین برین.

بله، بله!
ممنون! ممنون!

SCURRY

میتونستی یکم لطیف تر
اینو بگی، میدونی.

خب، سورپرایز
هم شدم...

رینا.





I Choose the Emperor Ending

I Choose the Emperor Ending

Story : KIM SUO

Art : jaradog

Ep 76

از وقتی از قلعه دیهاس
رفتیم به فصل گذشته.

میخواهی موهاتو کوتاه
کنم، ویل؟ کاملاً بلند
شده.

آه، میتونی برام
کوتاه کنی؟

حواستون باشه
ساکنین رو نترسونید.

فقط حمل سلاح هاس که
میتونه مخفی باشه.

توی این مدت، ادوارد
قابل اتکاتر شده.



وقتی اولین بار وارد مسیر شدیم،
موقعی که اولین بار بعد از این همه
سال دنیای بیرون رو میدید به کم
مثل به بچه فسقلی رفتار
میکرد...



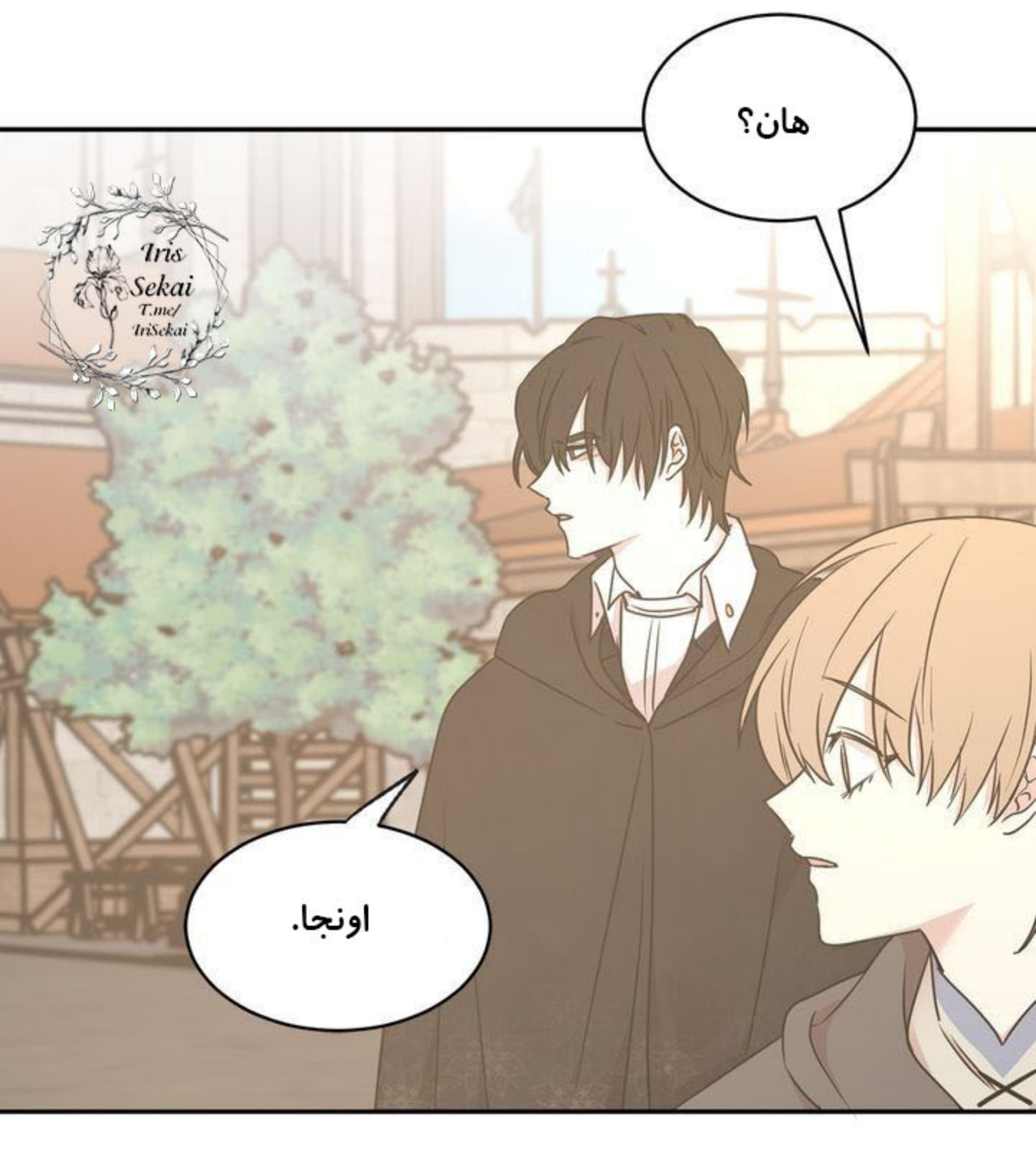
لرد ادوارد دوباره داره
از جلایه خارج میشه!

ولی بعد از اینکه به
سفر عادت کرد...



همش دارم کلی آدم
بیچاره و فقیر میبینم.

هان؟

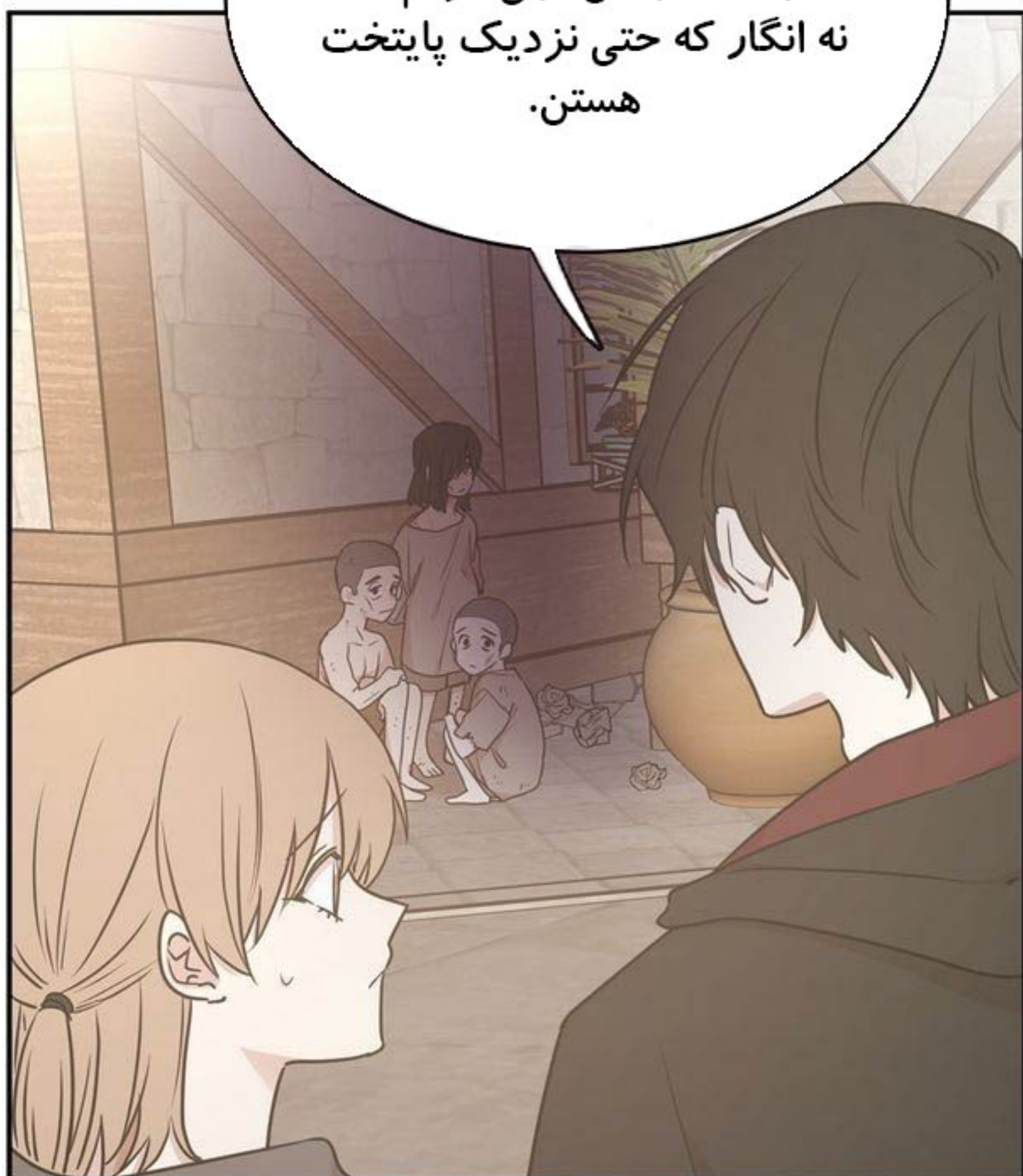


اونجا.



الان فصل برداشت
محصوله.

الان باید بیشتر از هر وقتی توی
ناز و نعمت باشن، ولی مردم انگار
نه انگار که حتی نزدیک پایتخت
هستن.



برن واقعا به قوانین ستوده
امپراطور قبلی...

گند زده.

در واقع، انگار داره برای راه
انداختن یه انقلاب راه حل پیدا
میکنه.

SO PROUD

و از اون طرف...

ارزون و زیبا~ یه نگاهی
به این اکسسوریاها
بندازین، مادام~!

هوم؟

آخ جون!
میشه بینم؟

!



رینه، از هرچی خوشتر
اومر فقط...!

خانوم، خانوم!



از این گردنبند خوشتون
میاد؟ فکر کنم خیلی
بهتون بیاد~!

...



از جلو چشمم
دورش کن.





مردم بیشتری پیدا میشن که متوجه میشن اون به امپراطور شبیهه.

سرورم، میتونم یه
دقیقه وقتتون رو
بگیرم؟

الان میام.

nod

الان، براتون یه لایه رژ
لب میزنم، مادام~!

فراموشش
کن!

آخ، گفتم گمشو!

SHOVE

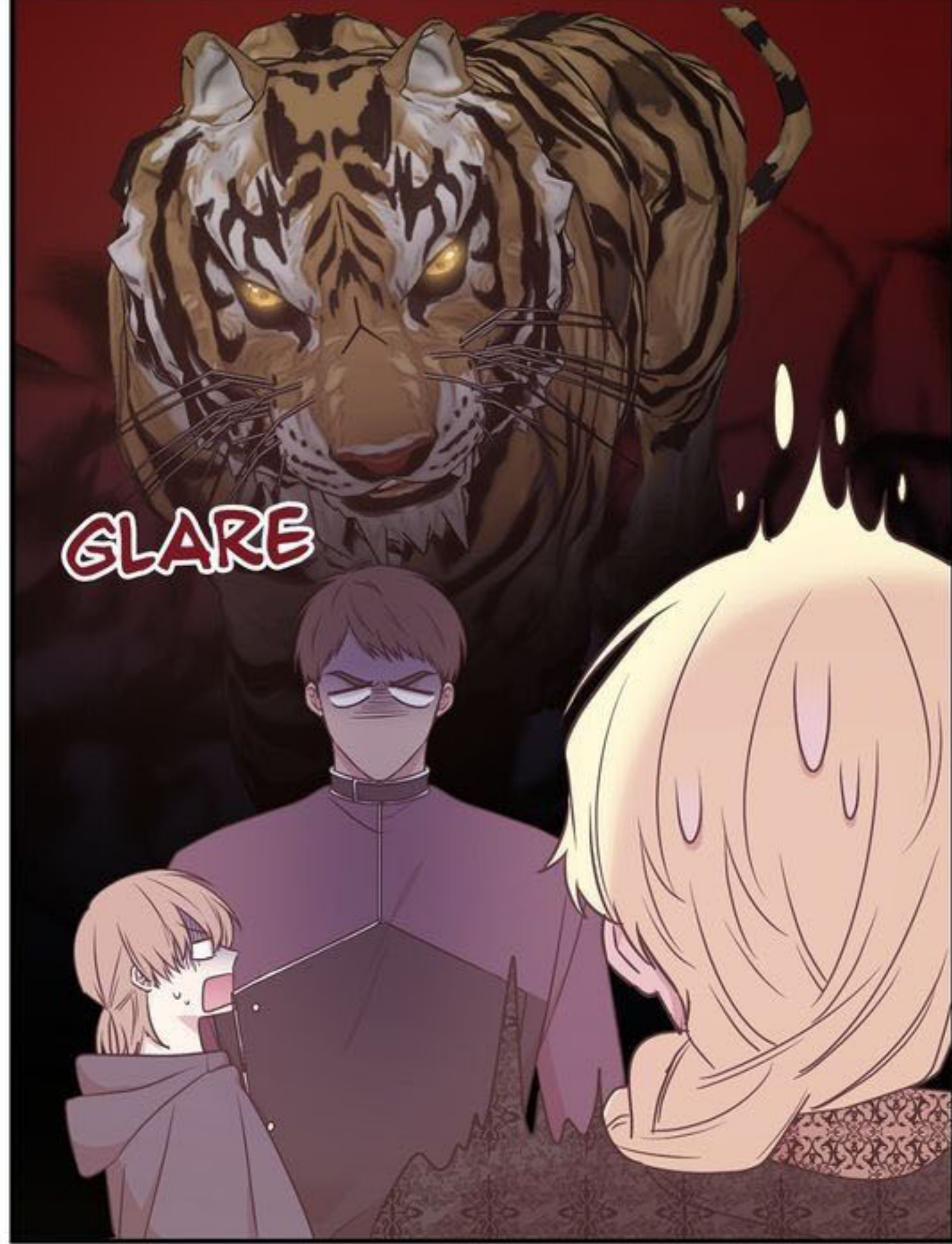
عج!

THWACK

آخ!

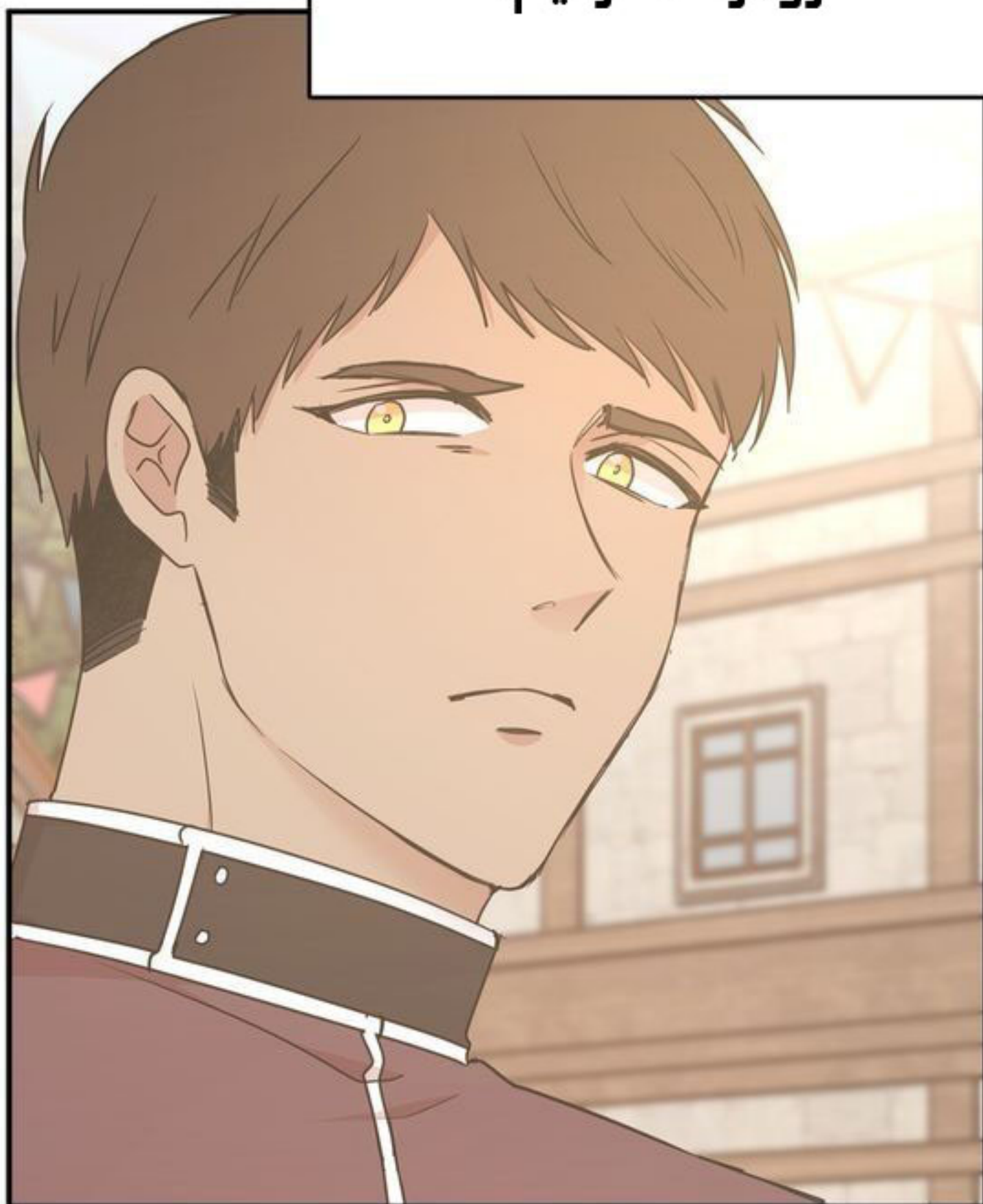
عام...

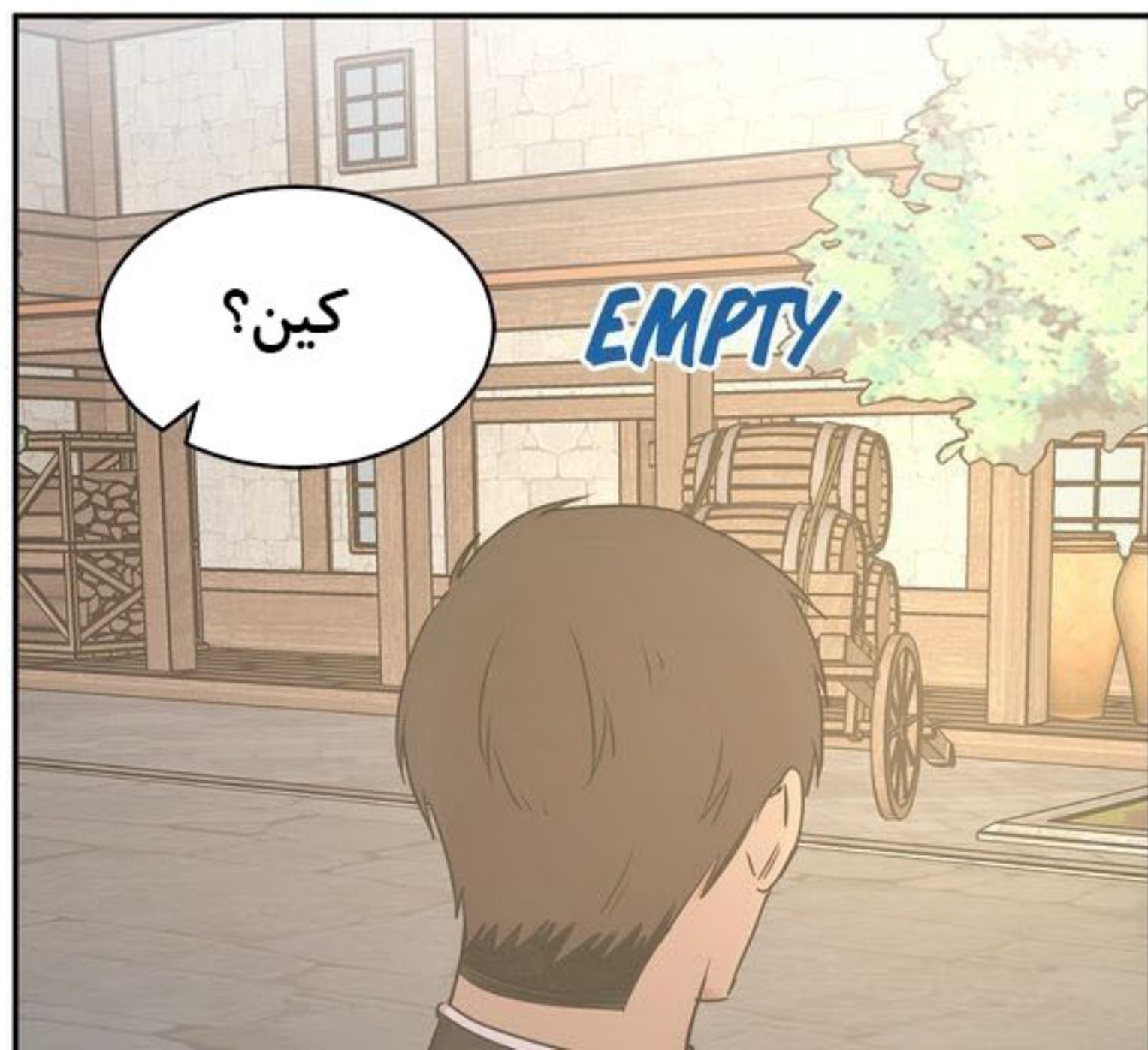
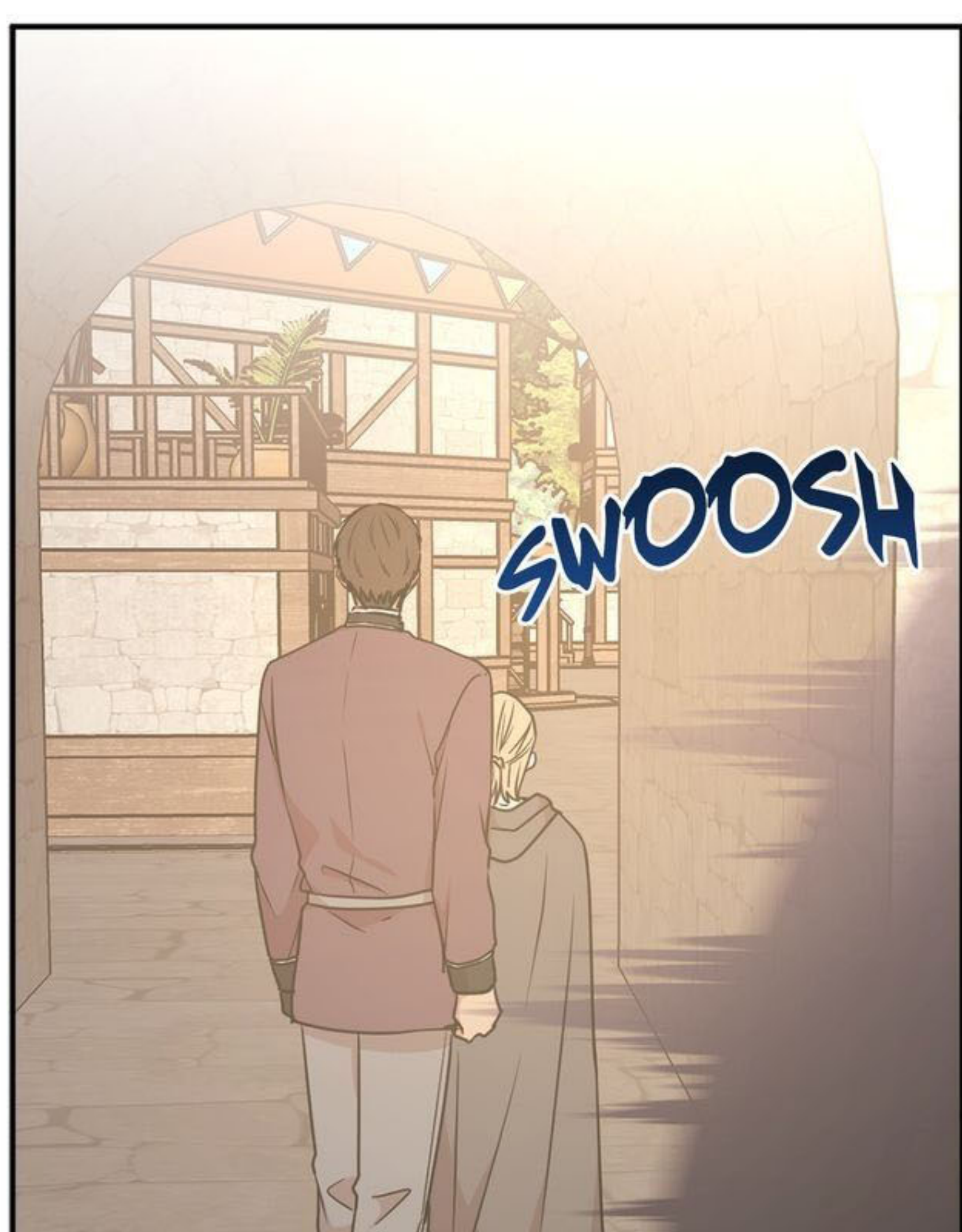
و کین.





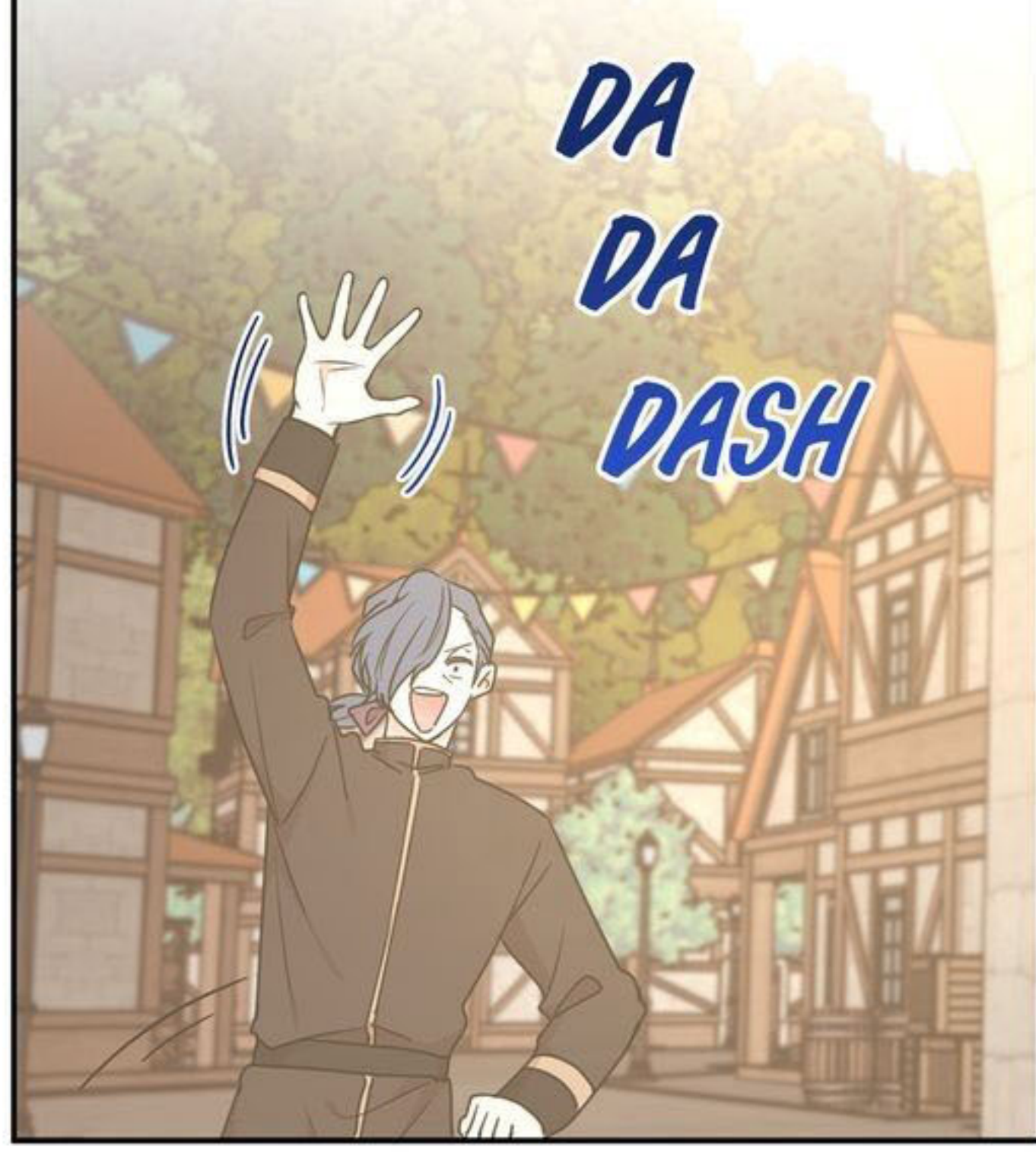
**اونم از وقتی که قلعه
رو ترک کردیم.**



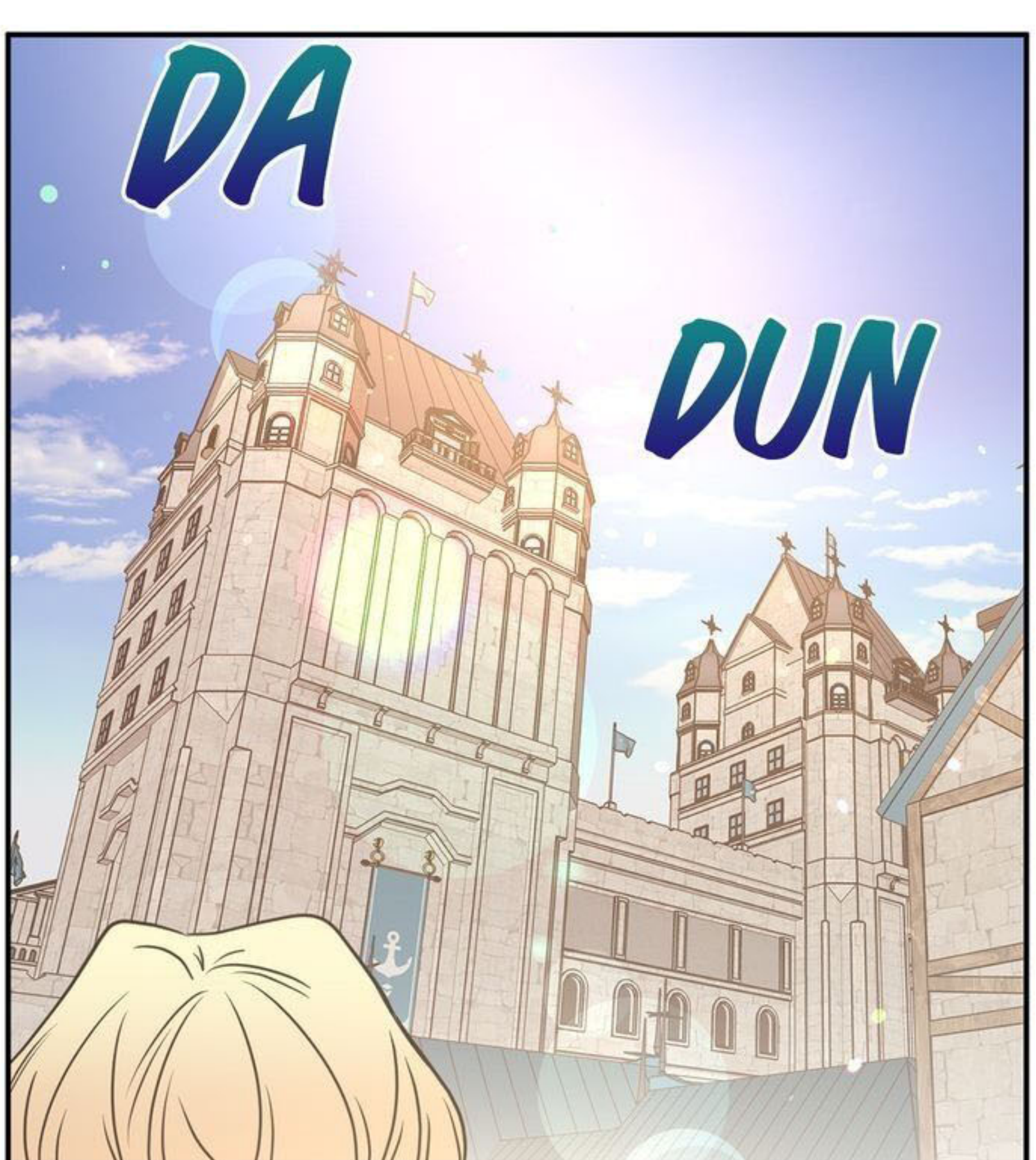




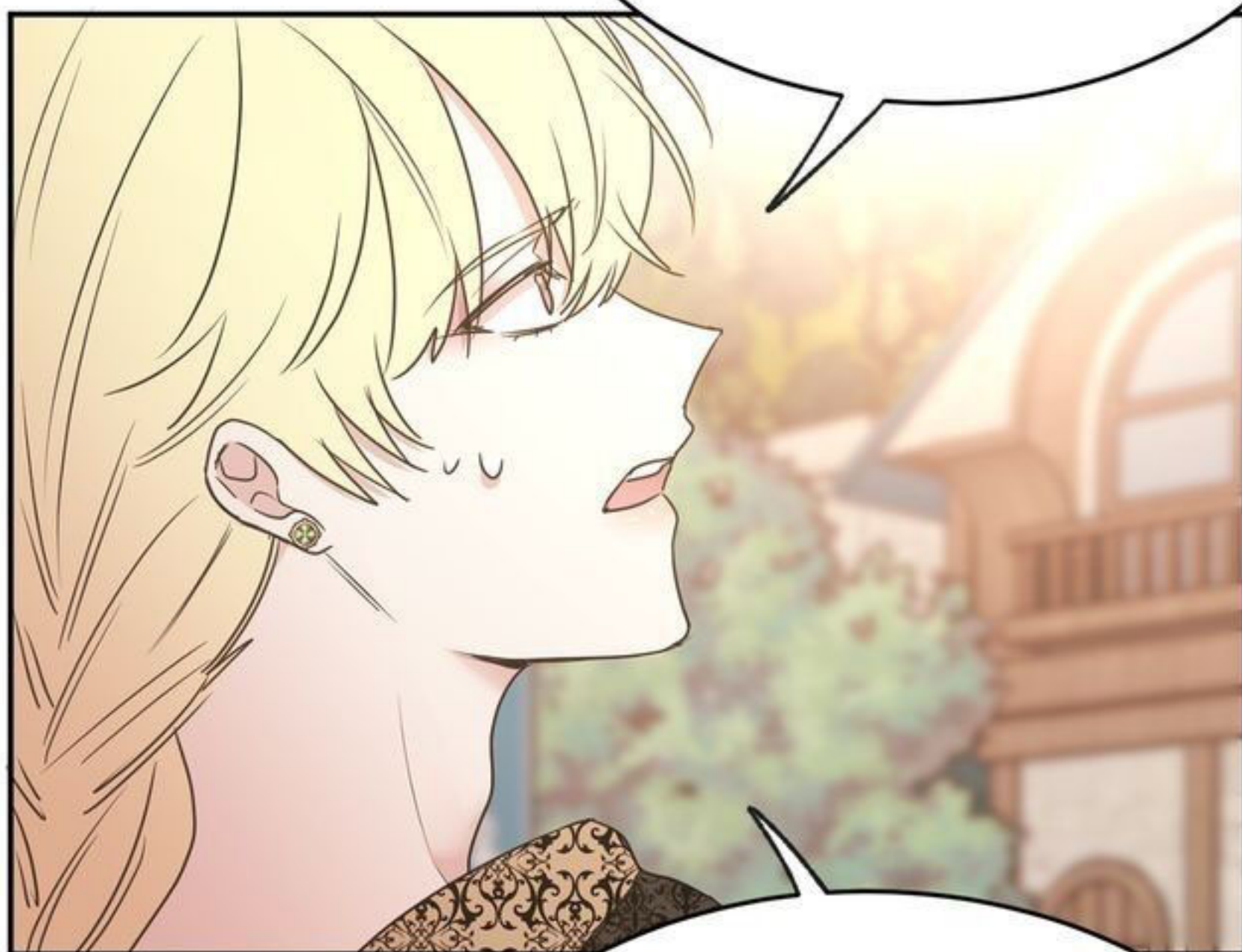
و تازگی، من...



برای خودم یه برنامه ریختم.



یه جورایی، کل طول مسیر
احساس میکردم همه چیز
خیلی راحت.



من انتظار یه مدل ماجراجویی
فانتزی رو داشتم، ولی ما همش
توی قلعه ها ساکن میشدیم و
باهمون خوب رفتار میشد.

درسته، خب... در اصل، سفر
ادوارد به کاخ سلطنتی قرار بود پر
از سختی باشه، ولی...



نمیتونم بزارم وقتی خودم این
دور و برام بچم سختی بکشه،
میتونم؟!

ادوارد باید هر روز با آب داغ حمام
کنه. مهم نیست چی بشه

به غیر از اون،
نمیخوام سختی
بکشم~ ☆



ای خادا



خب، به هر حال، فقط برای
احساس راحتی کردن نبوده.
توقف توی اون قلعه ها ضروری
بوده.



خلاصه بگم، این قلعه از
همشون مهم تره...





DAON STUDIO

Translator: Sumin Jo

Editor: Katelyn

از شما برای خواندن کارمون
ممنونیم. لطفا **کپی نکنین** و بدون
ذکر منبع کار مارو جای نذارین.
شما میتونین با جوین شدن تو چنل
تلگرامون از ما **حمایت** کنید و کارهایه
جذاب دیگمون رو هم بخونین.

@IriSekai

